

تبیین مفهوم گذار در مبانی هویت تمدن ایرانی*

دکتر محمد نقی زاده**، مهندس مریم دورودیان***

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۱/۱۰

چکیده:

این مقاله پژوهشی در "چگونگی تاثیر مفهوم گذار در هنر ایرانی" است. هنر ایرانی متأثر از مبانی فکری ایرانی، هنری مفهومی است. اشتراک در مبانی فکری و تلاش برای حفظ و انتقال اصول و معیارهای هویت ایرانی به زبان و بیان هر دوره موجب پیوستگی هویتی در آثار دوران گذشته شده است. اما در دوران معاصر به دلیل نقصان در توجه به جهان بینی جامعه در ایجاد زبان و بیان معاصر موجب گسست‌هایی در این مسیر کمال گرا شده است. بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر تبیین چارچوب فکری برآمده از جهان بینی جامعه با بررسی توصیفی-تحلیلی است. چنین بستر فکری امکان باز احیای کهن الگوها در توسعه بهینه مسیر پیشرو تمدن ایرانی را فراهم می‌آورد. "مفهوم گذار" برآمده از اعتقادات توحیدی جامعه ایرانی، با دو معیار "امکان گذار" و "تذکر به گذار" این چارچوب فکری را ایجاد می‌کند و دربرگیرنده بسیاری از اصول و معیارهای هویت ایرانی است.

کلید واژه ها: مفهوم گذار، تجردگرایی توحیدی، مکان تامل، مراتب ادراکی، هویت ایرانی، معماری ایرانی.

* این مقاله بر گرفته از مباحث پایان نامه کارشناسی ارشد معماری مریم دورودیان با عنوان "مکانی برای تامل در فضای عبور، بررسی مفهوم گذار در تفکر ایرانی و تاثیر آن در خلق فضا" به راهنمایی جناب آقای دکتر محمد نقی زاده و مشاوره سرکار خانم دکتر فرح حبیب در دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی سال ۸۸-۱۳۸۷ است.

Email: Dr_MNaghizadeh@yahoo.com

** استادیار واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: M_Dorodian@yahoo.com

*** کارشناس ارشد معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

بازخوانی و باز زنده سازی اصول و معیارهای خلق آثار در تمدن‌های مختلف، نیازمند برقراری اشتراکاتی بین چارچوب فکری جامعه معاصر تحقیق و مبانی نظری آن مکتب یا تمدن است. زیرا تفاوت در اهداف، ارزش‌ها و شیوه زندگی تفاوت در اصول و معیارها و در نتیجه تفاوت در ماهیت و کیفیت آثار و دست آوردها را ایجاد می‌کند. این موضوع در معماری معاصر ایران که با توجه به پیشینه غنی و پرتوان خود، به لحاظ خلق آثار مطلوب و ارتباط با پیشینه معماری و هویت ایرانی دچار بحران و نقصان گردیده، حائز اهمیت است. برای فراهم آوردن امکان بهتر باز خوانی اصول و معیارهای گذشته، آگاهی به چارچوب فکری هماهنگ با مبانی فکری گذشته تا حال جامعه ضرورت دارد. زیرا با حذف محدودیت زمانی امکان بهتری برای نوآوری در ارائه راه‌کارهای کاربردی از کهن الگوهای بومی فراهم می‌آید. نتایج تحقیقات مختلف حکما و اندیشمندان ایرانی در زمینه مبانی فکری تمدن ایرانی بیانگر نگرش توحیدی این تمدن در ادوار مختلف است^۱. این اشتراکات در جهان بینی جامعه منجر به نوعی اشتراک و پایداری در اهداف، نحوه زندگی، آثار و دست آوردها شده است. این آثار به ویژه در معماری ایرانی علاوه بر همگونی با نحوه زندگی و مبانی فکری جامعه، واجد حیات، پویایی و مطلوبیت فضایی هستند. تحقیق حاضر در تلاش برای رهیابی چستی مبانی نظری این آثار و چگونگی بازخوانی و کاربرد اصول برآمده از آن است. زیرا یک چارچوب فکری با حداقل محدودیت‌های زمانی در اجرای اصول و معیارها، علاوه بر جامعیت بیشتر، در پیوند مبانی نظری و اصول کاربردی و بازآیایی اصول و معیارهای گذشته، امکان بهتری را برای استفاده در دوران معاصر فراهم می‌آورد. با توجه به توحیدی بودن جهان بینی جامعه ایرانی، می‌توان چارچوب فکری مورد نظر را بنابر مفاهیم اصیل این نگرش بنا نمود. با توجه به آنکه جهان بینی توحیدی، نگرشی کمال‌گرا به انسان دارد و دنیا را مرحله‌ای از مراحل کمال انسانی معرفی می‌نماید، این تحقیق نیز با فرضیه‌ای مبنی بر گذار به دنبال تبیین "مفهوم گذار" به عنوان یک تعریف جدید از مفهومی کهن در مبانی فکری تمدن ایرانی و تدوین چارچوب فکری هماهنگ با هویت ایرانی است. نتایج حاصل از این پژوهش با تاکید بر نقش مبانی نظری در ارائه راهکارهای کاربردی و کارآمدسازی کهن الگوها می‌تواند به عنوان چارچوب فکری هماهنگ با هویت ایرانی در طرح‌های معماری قلمداد گردد.

روش تحقیق

برای بررسی جایگاه "مفهوم گذار" در تفکر ایرانی و تبیین اصول و معیارهای متأثر از آن به بررسی توصیفی-تحلیلی مستندات فکری جامعه و نمونه‌ها و مصادیق به ویژه در معماری ایرانی پرداخته شده است. بر این اساس با مطالعه مفهومی "گذار" و بررسی اسنادی در مبانی فکری جامعه و بررسی جایگاه "مفهوم گذار" به مطالعه در نمونه‌های موجود و شواهد تاریخی در ایران قبل از اسلام و دوران اسلامی پرداخته و در نهایت با تلفیق تحقیق کیفی (از نظریه به نمونه مورد مطالعه) و کمی (از نمونه مورد مطالعه به نظریه) به انکشاف مفهومی و تحلیل چگونگی نقش و کاربرد آن پرداخته شده است. «منابع در دو دسته اصلی منابع اولیه و بنیادین (مشمول بر اصول اعتقادی) و منابع ثانویه (شامل تجارب جوامع بشری و شرایط محیطی) قابل طبقه‌بندی هستند.

بررسی "مفهوم گذار" در زبان و ادبیات ایرانی

زبان مهم ترین شاه راه انتقال فرهنگ و نگرش هر قوم از نسلی به نسل دیگر و ادبیات حکمی- عرفان بیانگر مهم ترین باورهای اعتقادی آنان است. در بررسی لغوی به ویژه در بررسی گستره مفهومی و معنایی، می توان به گستردگی و عمق تاثیر مفاهیم مورد مطالعه در فرهنگ و باورهای فکری یک جامعه پی برد. "گذار" در لغت به معنای «عبور. گذشتن. طی کردن. ترک کردن. رها کردن. نادیده گرفتن. بخشیدن. محول کردن. گذاشتن کاری به کسی. واگذاشتن و در معنای گذر و راه نیز به کار می رود.» (دهخدا، ۱۳۷۱/۱) گستردگی معنای "مفهوم گذار" نشان می دهد که هر معنای نهادینه در باورهای جامعه قابل گسترش و تاثیر بر آثار است از جمله در چگونگی کاربرد کلمه، چرا که کلمات در ادبیات حکم ساختمایه را دارند و هرگونه ترکیب بندی آنها متأثر از مبانی نظری مورد استفاده است. این نکته در مورد معماری نیز چنین است. از میان حکمای عارف ایرانی که بیشترین تمرکز را بر بیان "مفهوم گذار" داشته اند می توان از حکیم خیام نیشابوری ریاضی دان و شاعر معروف ایران در قرن پنجم و ششم ه. ق. و فرید الدین عطار نیشابوری شاعر و عارف مشهور ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری یاد کرد. «خیام از جمله اندیشمندان ایرانی است که بیشترین تمرکز خود را در بیان معانی عمیق فلسفی "در گذار بودن" و لزوم غنیمت شمردن لحظات و امکانات برای رسیدن به مطلوب نهایی گذارده است.» (یوسفی، ۱۳۸۳ ص ۵۴۵-۵۴۸).

«در دایره ای کامدن و رفتن ماست
کس می نزند دمی در این معنی راست
او را نه بدایت نه نهایت پیداست!
کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست!»
(به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳ ص ۵۴۳)

خیام در دو بیت هایش به نرم ترین فرم به بیان سیال ترین حقیقت می پردازد. این تلفیق معنا و ظاهر (ماده) و کاربرد نمادها و فرم های هدایت گر در هر اثر برآمده از نگرش آگاه به "مفهوم گذار" قابل مشاهده می باشد. همان گونه که حافظ نیز با تلفیق این معنی با عرفان اسلامی خود تجرد گرایی توحیدی را با تاکید و توجه به "در گذار بودن" کل خلقت تعریف می کند.

«صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن
دور فلک درنگ ندارد شتاب کن»
(دیوان اشعار، حافظ/۳۹۶)

عطار این معنا را در بینابین دو نگاه حافظ و خیام بیان می دارد. او مفهوم گذار را در تلفیق علم گرایی و عرفان متجلی می سازد. عطار با کاربرد "مفهوم گذار" در معنای سیر در آفاق و انفس، معانی عمیق فلسفی و عرفانی را در فضای سیال و پیوسته کلام خود بیان کرده است. عطار در آثار متعددی چون منطق الطیر و مصیبت نامه، سفر روحانی استحالہ سی مرغ در سفر به سوی سیمرغ و یا تلاش سالک برای کشف حقیقت و لزوم تفکر در امور و روحیه حقیقت جو داشتن را با تبیین مفهوم "در گذار بودن" زندگی پرداخته است. نتیجه این سفرهای روحانی "گذار" از ظاهر به باطن معانی و آیین ها است.

«تو فنا شو تا همه مرغان راه
ره دهند در بقا در پیشگاه»
(منطق الطیر عطار، ۴۵۷۱)

سادگی بیان و تعدد روایات متناسب با موضوع در این آثار قابل تعمیم به فضا سازی های معماری و خلق شگفتی در سادگی است. در بررسی یک مفهوم مانند "مفهوم گذار" در ادبیات و آراء اندیشمندان و فرهیختگان جامعه نکته مهم، اهمیت و تاثیر نگرش آنان بر

اصول فکری و اهداف غایی جامعه است. چنان که در (جدول ۱) آمده، نتایج بیانگر چرایی اهمیت "مفهوم گذار" و چگونگی کاربرد و تاثیر آن در خلق آثار است.

اصول و معیارهای مفهوم گذار	مصادیق	چگونگی تاثیر مفهوم گذار
نماد پردازی و تذکر	بیان به رمز و یا به صراحت در نمود های مختلف	بیان چرایی گذار و اهمیت آن
کل گرایی و وحدت	بیان نتایج، اثرات و اهداف	
جزگرایی و کثرت	بیان تعابیر بسیار به جهت خوانایی و غنای معنایی	
هدایتگری	بیان به رمز و یا به صراحت راه و روش ها	تلاش برای چگونگی اجرا و امکان گذار
سلسله مراتب	توجه و تذکر به مراتب ادراک	
سیالیت و پیوستگی	فضاسازی هایی ذهنی و یا عینی	

* (تمامی جداول بر اساس مباحث این پژوهش تهیه شده اند)

جدول ۱: اصول و معیارهای مفهوم گذار در ادبیات عرفانی - حکمی ایرانی*

بررسی ادیان ایرانیان در ادوار مختلف

ادیان مهم ترین منابع جهت دهنده جوامع و بیانگر مبانی جهان بینی آنها هستند. تحقیقات مختلف در زمینه ادیان در دوره های مختلف تاریخی بیانگر توحیدی بودن ادیان ایرانیان پیش از اسلام است. سهروردی از متفکران و حکمای مسلمان ایرانی، حکمت کهن ایرانی را بر اساس حکمت اسلامی مورد تحقیق قرار داده و علاوه بر اثبات تشابه این دو حکمت و بیان توحیدی بودن ادیان پیش از اسلام در ایران، فلسفه اشراق را بنیان گذارد. «اصولاً قواعد و ضوابط اشراق در باب نور و ظلمت که راه و روش حکما و دانایان سرزمین پارس است به مانند جاماسب و فرشادشور و بوذرجمهر و کسانی که پیش از اینان بودند بر رمز نهاده شده است. و این قاعده یعنی قاعده نور و ظلمت که اساس حکمت اشراق است، نه آن اساس و قاعده گبران کافر است و نه مانیان ملحد و نه آنچه به شرک کشاند» (سهروردی، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

آیین مهری

«مهرپرستان معتقد بوده اند که زندگانی این جهانی آخرین مرحله وجود نیست، بلکه عمر انسان به منزله دروازه ایست که از آن گذشته و بعالم دیگر می رود و زندگی جاودانی حاصل می کند» (حکمت، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳). به این جهت در تفکر مهری دنیا مسیری است که انسان در آن بسته به کردارش در گذار به نور یا تاریکی است. اعتقاد به گذار به عالم جاودان غیر از عالم ماده، بر وجود "مفهوم گذار" در جهان بینی کهن ایرانیان دلالت می کند. در دانشنامه ایران باستان آمده است «پیروان آیین مهری با خطاب مهر، سوگند یاد می کنند بر افزایش آفریدگان خردمند که زمین را معمور و مسکون می دارند. سوگند یاد می کنند بر کشتن هر حیوان زیانکار. سوگند یاد می کنند بر شیار کردن و زراعت یک زمین و کاشتن یک درخت میوه. سوگند یاد می کنند بر جاری کردن آب خنک در خاک خشک و عمارت یک راه. سوگند یاد می کنند راضیم پس از مرگ از جایگاه نیک بختان رانده شوم اگر در اثنای زندگانی این فرایض مقدسه را انجام ندهم» (بهار، ۱۳۷۵، ص ۳۶۸-۳۶۹). با توجه به تاکید آیینی اهمیت آبادانی و حفظ نظم طبیعی و دوری از پلیدی و زیانکاری، اصول پایداری و بوم گرایی که امروزه بیشتر به جهت حفظ منابع طبیعی و سازگاری با اقلیم بیان شده،

فراتر از نیازهای اقلیمی و به عنوان راه سعادت و فراهم کننده امکان "گذار" بوده است. که توجه به این نوع نگرش و کارکرد آن می تواند در دوران معاصر به عنوان راهکاری مناسب در بومی سازی تکنیک ها و روش های معماری پایدار قلمداد گردد.

آیین زردشتی

«اهورا مزدا یعنی روح روشن و طاهر، که به حکمت و خرد (مزدا) موصوف و سبب سعادت و خیر و برکت شمرده می شود. آنچه موجب آلام و بدبختی می شود، بنام دیو یا دروغ ملقب و نزد ایشان مبعوض است، زرتشت آ دستور آیین خود را از اهورا مزدا دریافت کرده تا عقاید جهانیان را تطهیر و تصفیه نماید.» (یسنا/۴۴، ۹، به نقل از حکمت/۱۳۴۱ ص ۱۵۶). دین زردشت انسان را مخلوق اهورا مزدا و آزاد به انتخاب خیر و شر می داند و بیان می دارد که انسان مرکب از دو عنصر است؛ یکی عنصر خاک که از آن به کالبد تعبیر می کند و پس از مرگ در این خاکدان می ماند. دوم روان علوی، که پس از مرگ باید از پلی به نام "چینود پهل" بگذرد و به آسمان برود (حکمت/۱۳۴۱ صص ۱۶۲-۱۶۳). بنابراین آیین زردشت نیز مانند دیگر ادیان توحیدی متذکر به معاد است. این به معنی تاکید بر "گذار" انسان از دنیای مادی به جهان علوی است. در این آیین دین فقط برای مراسم و تشریفات ظاهری نبوده بلکه در حکم قانون و شیوه زندگی است. "مفهوم گذار" در این دوران با ارتقاء مرتبه حاصل از به کار گیری خرد تعبیر شده است. تاثیر این نگرش بر جامعه استفاده دانش و تکنیک آمیخته با آموزه های دینی بوده است. معماری هخامنشی معماری تلفیق ظریف و هماهنگ خرد و معنا است. چراکه علاوه بر اهمیت نکات فنی و تکنیکی برتر با معناگرایی و نماد گرایی در تلاش برای کاهش تاثیرات مادی محیط و تاکید بر وجه معنایی زندگی بوده اند. نتیجه این تلاش خلق فضاهایی سیال و اوج گیرنده است. بنابراین خردگرایی و کمالگرایی، اصول و معیارهایی به جهت برقراری "امکان گذار" بوده اند.

آیین اسلامی

دین اسلام به عنوان کامل ترین دین توحیدی بیش از همه ادیان به تدوین و تبیین اصول زندگی انسان تاکید کرده است. در اسلام با تاکید بر معاد جسمانی به همراه معاد روحانی دیدگاه تازه ای از تجردگرایی را گشوده است. به طوری که تلاش برای ارتقاء و کمال گرایی در ماده نیز علاوه بر جنبه های تجردگرا و معنا گرا مطرح می گردد. مفهوم گذار این بار فقط در عالم معنا مطرح نیست و در عالم ماده و دنیای مادی نیز متجلی است؛ به این جهت در قرآن آمده است: «ما نشانه های خود را در هر سویی از جهان و در تنهای ایشان می نمائیم تا به آنها پیدا شود که آن آیات حق و راست است، آیا به خداوند بسنده نیست که او بر هر چیزی توانا است؟» (فصلت/۵۳) قرآن علاوه بر ارائه اصول جامع زندگی با ذکر صفات الهی و بیان جانشینی انسان در واقع صفات قابل انتساب را به عنوان آموزه های عینی و الگوهای کاربردی برای رفتار انسانی ارائه داده است. در کلام امام علی نیز آمده است: «به انسان ها در این دنیا برای پیدا کردن راه نجات مهلت داده شده و آنان به راه روشن ارشاد شده اند و تفکر را برای رسیدن به بهترین مقاصد به آنان عنایت فرموده است.» (خطبه ۸۳، به نقل از جعفری، ۱۳۷۹). نگاه اینچنین به انسان و زندگی در دنیا نشان دهنده جایگاه "مفهوم گذار" در عمیق ترین و گسترده ترین شکل آن در جهان بینی اسلامی است. از جمله تاثیراتی که مفهوم گذار بر معماری

ایران داشته، وحدت در کثرت، استفاده بهینه از عناصر، فضاها و مکان هاست. به طوریکه علت شکل‌گیری یک مکان و کاربری فضایی آن مجموعه‌ای از دلایل مادی تا معنوی بوده است.

نتیجه بررسی ادیان به جهت تبیین مفهوم گذار

با توجه به جایگاه و اهمیت "مفهوم گذار" در ادیان مورد بررسی و به دلیل هماهنگ بودن خاستگاه این ادیان "مفهوم گذار" جایگاه مشترکی در مبانی جهان‌بینی جامعه در ادوار مختلف داشته و این تأکیدی بر اهمیت "مفهوم گذار" در اصول و اهداف جامعه است (جدول ۲). شاید به توان در بیان چگونگی تأثیر "مفهوم گذار" به عنوان یک باور عمیق اعتقادی، در خلق آثار تمدن ایرانی به ویژه در معماری ایرانی به عنوان نمونه این چنین گفت که: گذار و حرکت امتداد و پویایی را موجب و آن مرتبه را و آن حد و حریم را و آن تشخص ورودی را و آن تمایز درون و بیرون را و آن اهمیت نور و سایه را و آن سازگاری و هماهنگی را و آن نظم طبیعی و مصنوع را و آن تجلی مکان در برآیند نیروها را موجب می‌سازد. و همه به جهت لحظه‌ای تامل در مسیر عبور است.

اصول و اعتقادات مشترک ادیان توحیدی	نمود این اصول در اهداف و باورهای جمعی	اصول و معیارها در معماری ایرانی
یکتایی مبدا خلقت	توجه به یگانگی وجود	وحدت
گذار کل خلقت	توجه و تذکر به مفهوم گذار	سلسله مراتب
سیر در انفس	توجه به ساحت‌های وجودی انسان	انسان‌مداری
سیر در آفاق	توجه به نظم طبیعی و هماهنگی با مصنوع	جامع‌نگری و پایداری
دنیا مرحله تکامل	توجه و تذکر به حرکت به سمت کمال	کمالگرایی
ابعاد مادی و معنوی	توجه و تذکر به ابعاد روحانی انسان	نمادگرایی

جدول ۲: اصول و معیارهای مفهوم گذار در ادیان توحیدی ایرانی

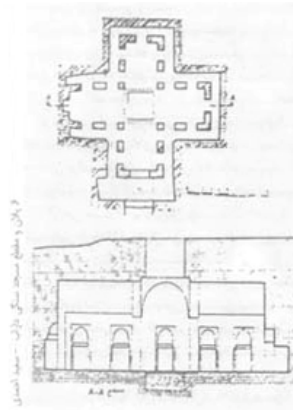
بررسی مفهوم گذار در نمادهای ایرانی

نمادها کهن‌ترین روش بیان و کهن‌ترین روش در حفظ و انتقال باورهای فرهنگی جوامع هستند. «رمزپردازی در عین حالی که وجهی از هنر است، جلوه‌ای از تعدد ساختهای حیات می‌باشد. رمز علاوه بر آن که به درون اشیاء و موضوعات اشاره دارد، جلوه‌ای از هویت معنوی هر فرهنگی است.» (نقی‌زاده، ۱۳۸۱). بنابراین نمادهای ایرانی به عنوان یکی از منابع محفوظ^۳ جهان‌بینی جامعه برای بررسی جایگاه مفهوم گذار و چگونگی کاربرد آن در ایجاد نمادها و نشانه‌های هویتی ایرانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

چلیپا یا گردونه خورشید

چلیپا نماد کهن ایرانی با معانی بسیاری چون خورشید، نیک بختی، ارابه مهر، عناصر چهارگانه، آتش، روح، چرخه حیات و نشان قوم ایرانی بوده است. چلیپا رابطه‌ای میان دایره، مرکز و مربع است. از نقطه آغاز و با امتداد خطی به سوی محیط دایره و تقسیم آن، نظم چهارگانه را ایجاد می‌کند. نظمی که در باغ‌سازی ایرانی نیز با عنوان چهارباغ ایرانی قابل مشاهده است. محور عمودی این نماد تأکیدی بر محورهای اتصال دهنده و راه‌گذار دو فضای مادی و فرا مادی است. مهم‌ترین عامل مشترک در دلایل مختلف به وجود آمدن چلیپا، حرکت و "گذار" به ویژه در مراتب حرکت از ماده به مجرد و اهمیت توجه به مرکز و محورهای

اتصال‌دهنده دو جهان خاکی و علوی است. جایگاه و اهمیت این نماد از دیرباز با عناصر و امور مقدس در ارتباط بوده است. فرم معابد اولیه شبیه به چلیپا است (تصویر ۱) و مرکز آن بر آب است، که مفهوم گذار را به واسطه حرکت در راستای محورهای ارتباطی نمادین آشکار می‌کند. به ویژه آنکه سیالات از محدودیت شکلی کمتری نسبت به جامدات برخوردارند این نگرش تجردگرایانه را تقویت می‌نمایند.

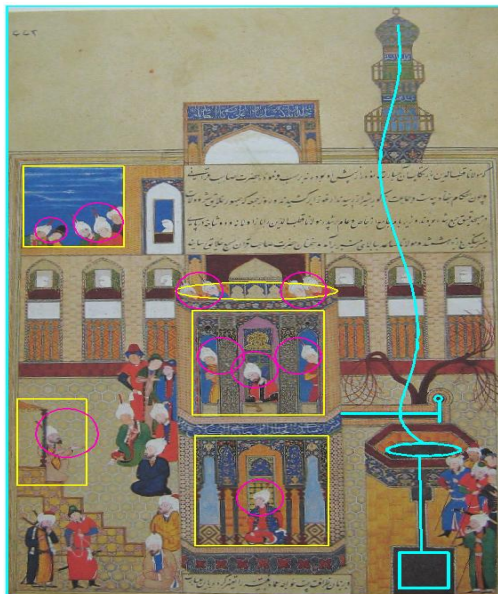


تصویر ۱: پلان مسجد سنگی داراب. این مسجد در مرکز خود حوضی با پلان مربعی دارد که به موازات نورگیر سقف هم اندازه آن کنده شده است. اغلب منابع و متون ایرانی مسجد را یک بنای ساسانی می‌دانند (آزاد، میترا، کتاب ماه هنر ۱۳۸۴، ص ۵۵).

دایره

دایره از نقطه آغاز می‌شود و نقطه را در بر دارد. به دلیل خلوص و پایداری فرمی، نماد مناسبی برای بیان وحدت است. مرکز دایره نقطه تلاقی خطوط عمود بر محیط دایره است. دوایر متحد‌المرکز با تاکید بر اهمیت حریم‌ها، نمایانگر طبقات و سلسله مراتب هستند. این امر به ویژه معماری و فضاسازی ایرانی قابل مشاهده است. گنبد مهم‌ترین نماد و مشخصه معماری گذشته ایرانی، از تلفیق متنوع دوایر با دقت بسیار زیاد به وجود آمده که در مقابل مربع بیانگر گذار از مکان و زمان محدود است. دایره به دلیل حرکت دورانی که در نهاد خود دارد بیش از هر چیز القاگر حرکت است. از این جهت در باورهای فرهنگی نمادی از چرخش ایام با کانونی در مبدأ آغاز و انجام هستی دانسته و به دلیل بی‌پایانی حرکت این چرخه، نمادی از ابدیت محسوب می‌شود. دایره در بسیاری از هنرها مانند خوشنویسی ایرانی به ویژه نستعلیق و نگارگری (دیاگرام) نقش ساختاری داشته و پویایی، درونگرایی، ارتباط پیوسته و حرکت مداوم بین درون و بیرون را ایجاد کرده است.

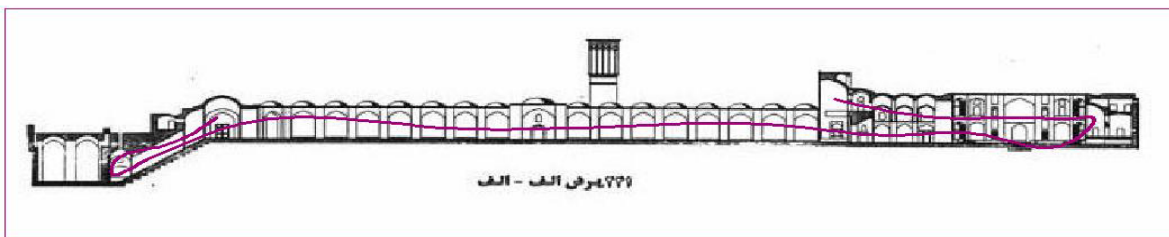
بیشترین معنا و مفهومی که از دایره و نماد های مشتق از آن دریافت می‌شود حرکت و گذار است. به این جهت فرم دایره یا تذکر دهنده به گذار بوده و یا در کاربردی چون روزنه‌های نورگیر بازارها، امکان گذار را در ابعاد مختلف مادی و معنوی ایجاد می‌کند.



دیاگرام ۱: در بند کردن قطب الدین، ظفرنامه تیموری، کاربرد فرم ماریج و دایره به عنوان عنصر ساختار دهنده در نگارگری ایرانی. مأخذ نگاره: شاهکارهای نگارگری ایران. حوض که در معماری ایرانی نمادی بر محور های ارتباطی ماده و معنی است، در لایه ارتباطی مخاطب، دید از پلان و به شکل مربع، گویی روزنی برای "گذار" به دنیای خیال است. در حرکت مستقیم به حوض دایره، که در نگاره بیضی دیده می شود، در لایه واسط دنیای خیال هنرمند است که از طریق حرکت ماریج نمادین به بالای مناره نمادی از تجرد گرایی توحیدی را ایجاد کرده است. به علاوه در این حرکت، "گذار" از آب به نور و "گذار" از مربع به دایره نیز قابل مشاهده است.

ارتفاع، حرکت و صعود

حرکت به ویژه حرکت پیچشی و دوار صعود کننده، بیانگر گذر از مرحله ای به مرحله دیگر به صورت تدریجی و منظم بر اساس ریتمی موزون و آهنگین است. پیچها و اسلیمیها نیز از جمله این نمادهای حرکتی و صعود کننده و ظریفترین نمود عینی مؤکد بر گذار هستند. «انتزاعی کردن و هندسی کردن اشکال در هنرهای ایرانی بسیار رایج بوده ولی به این معنا نیست که انحنا و خطوط مورب به کار نمی رفته بلکه هر چه هنر ایرانی پخته تر می شود خطوط پیچ و خم بیشتر پیدا می کند و هنرمندان با مهارت از خمها و انحناها و خطوط مورب در انواع هنرهای تزئینی خود استفاده می کنند. اما همین طرح های مورب نیز همواره به صورت استیلیزه است. می توان در این مورد به بته جقه که در واقع نقش استیلیزه سرو است اشاره کرد. هر خط غیر مستقیم در واقع پیچ است.» (زمانی ۱۳۶۳، ص ۱۷۱) در معماری ایرانی این نمادها علاوه بر کاربرد در نقوش، اجزا و عناصر در مکان یابی و طراحی پلان و مقاطع نیز مد نظر بوده است. وجود تپه های باستانی در نزدیکی شهر ها و راه های امروزی و یا استمرار حیات و پویایی در شهرهای و بافت های کهن و حتی در تک بناهای کوچک میان راهی تا دیگر بناهای با ارزش معماری ایرانی (دیاگرام ۲) قابل مشاهده است.



مأخذ: نقش عجب ۱۳۸۲

دیاگرام ۲: برش طولی مجموعه گنجعلیخان بیانگر اهمیت گذار صعود کننده

نتیجه بررسی مفهوم گذار در نمادها

آنچه از نهاد نمادها قابل ادراک است، نشانی بر جهان بینی و نگرش جامعه است. در بررسی تعدادی از نمادهای ایرانی، چنان که ملاحظه می‌شود معنایی از حرکت، تغییر مرتبه و حد واسط بودن، قابل مشاهده است (جدول ۳). و این نشانگر وجود و اهمیت مفهوم گذار در سطوح مختلف زندگی در تمدن ایرانی است.

اصول و معیارها در معماری ایرانی	مصادیق این اصول در نمادها	اصول ساختاردهنده متأثر از مفهوم گذار
نظم	دایره، پیچ‌ها و اسلیمی‌ها	اهمیت فرم‌های هندسی و نرم
مرکزگرایی و دورنگرایی	چلیپا	اهمیت مرکز و باطن
سلسله مراتب	دوایر متحد‌المرکز	اهمیت مراتب معنایی
کمالگرایی و تعالی	پیچ دوار صعودکننده	اهمیت امکان گذار و تذکر به آن
ریتیم	الگوهای مدور بی پایان، اسلیمی‌ها	اهمیت تکرار معناها و ارزش‌ها
کثرت در وحدت	الگوهای تکرار شونده	اهمیت تنوع در عین همگونی

مأخذ: نگارندگان

جدول ۳: اصول و معیارهای مفهوم گذار در نمادهای ایرانی

بررسی مفهوم گذار در کاربرد عناصر طبیعی در تمدن ایرانی

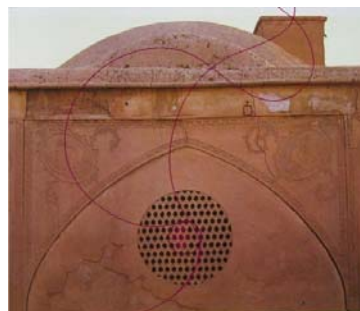
در تمدن ایرانی به دلیل نیازهای انسانی در ابعاد مختلف و اعتقادات دینی جامعه به طبیعت به عنوان آیات الهی و مهم‌ترین منبع شناخت آمیختگی دیرینه‌ای بین انسان و طبیعت برقرار بوده است. از جمله حفظ و پاسداشت عناصر طبیعی به ویژه عناصر چهارگانه به عنوان ارکان اصلی خلقت، توجه به ویژگی‌های ذاتی آنها و نمادپردازی‌ها و تاثیرات مفهومی در خلق آثار به ویژه در معماری و شهرسازی است. در معماری ایرانی علاوه بر تاثیرپذیری و الگوپذیری از طبیعت، خلق کیفیت فضای درونی با تاثیر ویژه و هدفمند کالبد بر عوامل فضا سازی چون نور، صوت، بو، جریان هوا، دما، رطوبت، بافت و دیگر عوامل بوده است. در این رابطه دوسویه فضای مطلوب و آسایش بخش زمانی فراهم می‌آید که هماهنگی درونی و بیرونی در معماری رعایت گردد. این هماهنگی در ابعاد مختلف در معماری ایرانی قابل ادراک است. به این جهت در بخش پایانی به مطالعه مفهوم گذار در کاربرد عناصر اربعه که مواد پایه خلق هر اثر معماری است و نیز چگونگی الگوپذیری از آنها به عنوان مهم‌ترین منبع شناخت، پرداخته می‌شود.

باد و خاک و آب و آتش بنده اند
با من و تو مرده با حق زنده اند
(مولوی، مثنوی معنوی/۱/۱۲۸)

نور

«در فروردین یشت و هرمزد یشت نیز تفاوت میان جسم خداوند که نور است و روان او که راستی است بیان شده است» (رضی، ۱۳۸۲، ص ۱۵). در قرآن نیز تعابیر بسیاری از نور شده است از جمله: وسیله هدایت و آگاهی (مانده/۴۶، حدید/۹، شوری/۵۲) عامل تمیز مؤمنین (تحریم/۸، حدید/۱۲) و "الله نور السموات و الارض" (اعراف/۱۵۷، نساء/۱۲۴، نور/۳۵). از ویژگی‌های ذاتی نور نیز می‌توان به امکان گسترش نور در راستای حرکت مستقیم خود و یا خصلت بازتاب و پراکنش به ویژه در طیف قابل رؤیت نور و ایجاد رنگ‌های مختلف اشاره نمود. در قرآن از رنگ‌ها و کیفیات آنها بیان شده است. رنگ زرد درخشان (بقره/۶۹) آیات قدرت الهی (نحل/۶۹) هیچ رنگی خوشتر از "ایمان" به خدای یکتا نیست (بقره/۱۳۸). در ادبیات عرفانی، نظامی به زیبایی از رنگ در حالت نمادین خود استفاده کرده است. در کاشی کاری، فرش و نگارگری ایرانی نیز می‌توان اوج معناگرایی را در کاربرد رنگ‌ها مشاهده نمود. این معانی متأثر

از همان مفاهیم بیان شده در ادیان و نمود آن در الگوهای طبیعی است. نور در تلفیق با سایه، سبزه و خشت از ویژگی‌های بومی پدید آورنده زیبایی‌های بدیع در هنر و معماری ایرانی است. در معماری نور برای روشنایی، گرمایش، زیبایی، انتقال احساس، انتقال مفاهیم و ایجاز کاربرد دارد. شفافیت و بازتاب نور چون روح، همواره زیبایی خاصی به کالبد خشک معماری بخشیده است. مفاهیم زیادی چون حس حضور، تمرکز و حرکت را می‌توان از طریق تیرگی‌ها و روشنایی‌ها بدون ارتباط کلامی و رابطه مستقیم انتقال داده و بر ارزش‌های معنوی تاکید کرد. علاوه بر معانی اعتقادی و ماهیتی، نور از نظر کاربردی و فضاسازی نیز گذار و حرکت را موجب می‌گردد. مانند حضور نور در بازارها که با القای حس حرکت مسیر حرکت را نشان می‌دهد (تصویر ۲). این بررسی تاکید بر اهمیت مفهوم گذار و تلاش برای گذار از ماده به معنی را در کاربرد این عنصر بیان می‌کند.



دیاگرام ۳: تاثیر باد در شکل‌گیری عناصر معماری
ماخذ: غضبانیور



تصویر ۲: بازار دامغان نور تعیین‌کننده مسیر حرکت
ماخذ: نگارنده

باد

در اساطیر کهن سیمرغ که بال‌هایی متصل به آبهای کوهساران دارد، به دلیل تاثیرات باران زایی بادها نماد حیوانی باد قلمداد شده است. در قرآن به باد بشارت دهنده (روم/۴۶) اشاره شده است. باد با تاثیرات شگرفی که در مسیر حرکتی خود بر فرم کالبدی عناصر طبیعی دارد، منشأ نقوش و فرم‌های بدیع ایرانی چون اسلیمی‌ها و پیچ‌ها دانسته شده است. عنصر باد به لحاظ فرمی مستقل از مکان است ولی تاثیر بسیاری بر مکانیابی‌ها و جهت‌گیری بناها، و عناصر مختلف معماری (دیاگرام ۳) مانند بادگیرها، به جهت حفظ و ایجاد آسایش محیط مصنوع دارد. این مطالعه بیانگر اهمیت امکان گذار مطلوب باد برای ایجاد شرایط بهتر آسایش و چگونگی اجرای آن با استفاده از دانش و هنر ایرانی است.

آب

«در بندهشن^۴ آب را نخستین آفریده معرفی می‌کند.» (کعبی پور، ۱۳۸۴) «به عقیده زردشتیان آب پس از آتش، مقدس‌ترین عنصر است و آلودن آن را با پلیدی‌ها گناه به شمار می‌آورده‌اند.» (نقی زاده، ۱۳۸۲) در قرآن نیز آب از جمله عنصر اصلی خلقت به ویژه انسان (نور/۴۵) عامل حیات و آبادانی (حج/۶۳) نشان رحمت و غفران الهی (نوح/۱۱) و نشانه‌ای بر شناخت خدا (ملک/۳۰) بیان شده است. در آثار باستانی بیشترین و مهم‌ترین نقوشی که دیده شده است، متأثر از آب یا نمادی از آب بوده است. مانند نماد حیوانی

بز کوهی و نماد گیاهی نیلوفر. «گذشتن از آب در اساطیر ایرانی اهمیت خاصی دارد، و اغلب قهرمانان پیش از دست یافتن به موفقیتی بزرگ، از آب می‌گذرند، و به این ترتیب با هر بار از آب گذشتن، تولدی تازه وقوع می‌یابد» (نقی‌زاده، ۱۳۸۲). آب دارای ویژگی طراوت، رطوبت، پاک‌کنندگی، انعکاس‌دهندگی و حیات‌بخشی است. آب در معماری ایرانی به عنوان عنصر اصلی با قرارگیری در مرکز و معماری در اطراف آن شکل‌دهنده مکان‌ها، پیوند‌دهنده فضاها و عامل تاثیراتی از آسایش محیطی، آیینگی و سیالیت است. حضور آب، درون عمارت و حرکت بین درون و بیرون به ویژه در ارتباط با باغ و حیاط و نیز حضور در ورودی‌ها نشان‌دهنده ارزش کارکردی، زیبایی‌شناسی و اعتقادی آب در معماری ایرانی است.

خاک

در ایران باستان خاک نیز چون دیگر عناصر طبیعی مقدس بوده و در حفظ پاکی آن می‌کوشیدند. در اسلام علاوه بر بیان خلقت انسان به عنوان برترین مخلوق از خاک، عامل پاک‌کننده جایگزین آب در تیمم (مانده/۶) بیان شده است. آب ناپاک بعد از گذر از خاک پاک شده و به منبع اولیه باز می‌گردد. انسان بعد از مرگ در خاک دفن شده و گیاهان در هر رستاخیز طبیعت از خاک سر بر می‌آورند. با وجود اینکه خاک نسبت به دیگر عناصر از بعد مادی بیشتری برخوردار است ولی در تمدن معناگرای ایرانی مانند دیگر عناصر، ویژگی‌های نمادینی را بر عهده دارد. به ویژه آنکه به جهت اقلیم ایران کاربرد بسیاری در معماری و در نوآوری‌های ایرانی مانند قوس، گنبد و ایوان بوده است. به عنوان نمونه خاک در کاشی‌کاری‌ها در تلفیق با رنگ و نقش تصویرگر جهان خیال هنرمند و عامل واسطه‌ای از جهان مادی به جهان معنا می‌گردد.

نتیجه بررسی مفهوم گذار در کاربرد عناصر طبیعی در تمدن ایرانی

نحوه الگوبرداری و کاربرد عناصر چهارگانه در آثار و دست‌آوردهای تمدن ایرانی بیانگر اهمیت جایگاه مفهوم گذار در تفکر ایرانی است. اصول و معیارهای متأثر از این مفهوم در کاربرد و اهمیت عناصر طبیعی در (جدول ۴) بیان شده است.

اصول ساختاردهنده متأثر از مفهوم گذار	معنای قابل استنباط در کاربرد اصول	اصول و معیارهای مفهوم گذار
آفرینندگی نظم‌دهندگی و رهاکنندگی	حضور، تمرکز و حرکت	نظم و هماهنگی
پاسخگویی، تذکر دهی و نمادگرایی	ارزش کارکردی، زیبایی‌شناسی و اعتقادی	کمالگرایی و معناگرایی
ترکیب متنوع و بدیع اشتراکات و تضادها	سادگی-پیچیدگی، تنوع-همگونی	وحدت در کثرت

مأخذ: نگارندگان

جدول ۴: اصول و معیارهای مفهوم گذار در کاربرد عناصر طبیعی در تمدن ایرانی

نتیجه‌گیری

بنابر اهمیت جایگاه "گذار" در تفکر ایرانی، می‌توان "مفهوم گذار" را تعریفی نو از مفهومی کهن دانست که در ادوار مختلف مورد پذیرش و باور جامعه بوده است. "مفهوم گذار" برآمده از نوعی نگرش به جهان است که انسان را توانا به گذار در مراتب مختلف مادی و معنوی می‌داند. این مفهوم به عنوان مهم‌ترین وجه افتراق جهان‌بینی‌ها، تاثیر بسیاری بر مبانی فکری جامعه دارد. به این جهت می‌توان "مفهوم گذار" را یک مفهوم اصیل قلمداد نمود که منجر به تدوین چارچوب نظری مفهوم گذار با دو معیار "تذکر به گذار" و "امکان گذار" می‌گردد. با توجه به اهمیت مفهوم گذار و اشتراک در ادوار مختلف تمدن ایرانی، این دو معیار

در بر گیرنده بسیاری از اصول و معیارهای خلق آثار در تمدن ایرانی هستند (جدول ۵). به این جهت این چارچوب فکری با ایجاد بستر فکری مشترک از گذشته تا حال امکان مناسبی در بازخوانی اصول گذشته به ویژه در نوآوری کاربرد کهن الگوها و باز احیایی مسیر کمالگرایی تمدن ایرانی در دوران معاصر را فراهم می‌آورد.

اصول و معیارهای	مصادیق	چگونگی تاثیر مفهوم گذار
کمالگرایی	تذکر به تلاش برای کسب مراتب بالاتر	تذکر به گذار
چند بعد گرایی و یا بی بعدی	تذکر به توجه به ساحات مختلف وجودی	
نمادگرایی	تذکر به اهمیت معنا و توجه به آن	
مرکز گرایی	تذکر به توجه به درون اهمیت ارتباط با آن	
سلسله مراتب	تذکر به لایه های مختلف ادراکی	
وحدت در کثرت	تذکر به وحدت در وجود در همه تکثرات خلقت	امکان گذار
سیالیت	امکان گذار در مراتب مختلف با کمترین محدودیت	
پیوستگی	امکان گذار از ماده به معنا با توجه به مراتب ادراکی	
استحاله و تلفیق نرم	امکان گذار نرم و تدریجی با توجه به نظم طبیعت	
ریتم	امکان گذار در یک ساختار موسیقایی	
انسان مداری	امکان گذار متناسب ساحات مختلف وجودی انسان	
جامع نگری	امکان گذار از محدودیت ها	
هدایتگری	امکان گذار به واسطه امکانات	
نظم	امکان گذار به واسطه نظم ساختاری	

مأخذ: نگارندگان

جدول ۵: اصول و معیارهای متأثر از مفهوم گذار در مبانی هویت تمدن ایرانی

پی نوشت‌ها

- ۱- «ملت ایران دارای فلسفه عمیق و عریق بر اساس یکتاپرستی بوده است» (سهروردی، ۱۳۸۳).
- ۲- اصل آن زرتوشتَر است و شیخ مقتول و فاضل شهرزوری و علامه شیرازی و جمعی از متأخرین، چون علامه دوانی و میرصدرالدین و غیاث‌الدین منصور او را نبی فاضل و حکیم کامل دانند.
- ۳- رویکرد بازتاب در جامعه شناسی هنر بیانگر این نکته است که هنر آینه جامعه است (Alexander, 2003, p.21) این معنی بر اساس اعتقادات جامعه دینی توحیدی ایرانی نیز همواره برقرار بوده است.
- ۴- (بُ دِه ش) ۱- اصل آفرینش، آفرینش نخستین ۲- نام یکی از کتاب های دینی زرتشتی که حاوی اساطیر مربوط به خلقت جهان می باشد. از این کتاب دو نسخه موجود است. یکی بندهشن هندی و یکی بندهشن ایرانی (فرهنگ معین).

منابع:

- ۱- بهار، مهرداد، (۱۳۷۵): "پژوهشی در اساطیر ایران"، ویراستار کتابیون مزدپور، آگاه، تهران.
- ۲- جعفری، محمد تقی، (۱۳۷۹): "دنیاز دیدگاه علی (ع)"، گرد آوری محمد رضا جوادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- ۳- حافظ، شمس الدین محمد، (۱۳۷۸): "دیوان اشعار" باهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار، تهران.
- ۴- حکمت، علی اصغر، (۱۳۴۸): "تاریخ ادیان"، تهران: ابن سینا. تهران.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۸): "لغت نامه" (لوح فشرده)، زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی تهران: دانشگاه تهران، موسسه لغت نامه دهخدا. تهران.
- ۶- رضی، هاشم، (۱۳۸۲): "آیین مغان"، تهران: سخن. تهران.
- ۷- زمانی، عباس، (۱۳۶۳): "پیچ تزئینی، آثار تاریخی اسلامی ایران، معماری ایران"، آسیه جوادی، تهران: مجرد. تهران.
- ۸- سهروردی، شهاب الدین، (۱۳۸۳): "حکمه الاشراق"، ترجمه سید جعفر سجادی، دانشگاه تهران.
- ۹- عطار، فریدالدین محمد، (۱۳۸۴): "منطق الطیر"، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، ویرایش دوم، تهران، سخن. تهران.
- ۱۰- کعبی پور، محبوبه (۱۳۸۴): "بررسی تاریخی عناصر چهارگانه در دوران باستان ایران"، مجموعه مقالات، فرهنگستان هنر. تهران.
- ۱۱- مولوی، جلال الدین (۱۳۷۹): "مثنوی معنوی"، تصحیح نیکلسون، سایه گستر، قزوین.
- ۱۲- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، "مبانی فلسفی زیبایی شناسی طراحی محیط و منظر ایرانی"، محیط شناسی-ویژه نامه طراحی محیط، صص ۶۱-۷۹.
- ۱۳- (۱۳۸۲)، "مشخصه های آب در فرهنگ ایرانی"، محیط شناسی، شماره ۳۲، زمستان، صص ۷۱-۹۲.
- ۱۴- (۱۳۸۵)، "مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی"، جلد ۲، نشر فرهنگ اسلامی تهران.
- ۱۵- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۳): "یک دم میان دو عدم"، می و مینا، به کوشش دهباشی، تهران هنر سرای گویا. تهران.
- 16- Alexander, Victori (2003), "Sociology of the arts exploring fine and popular forms", Berlin, Blackwel.
- 17- Ardalan Nader and Laleh Bakhtiar, (1973), "The Sense of Unity", University of Chicago Press.
- 18- Barry, Michael (1995), "Colour and symbolism in Islamic architecture", London, Thames and Hudson Ltd.